

بررسی دیدگاه مدیران و اساتید دانشگاه نسبت به شیوه تجدید ارزیابی دارایی ها

مریم اقبال - عضو هیئت علمی موسسه آموزش عالی خیام مشهد

مهدی یعقوبی - عضو هیئت علمی موسسه آموزش عالی خیام مشهد

چکیده

توجه به ساختار یا بافت مالی هر واحد اقتصادی یکی از اهداف اولیه اقتصادهای موفق است و این موفقیت در شرایطی حاصل می‌شود که ارزش و مبلغ دارایی واقعی باشد. یکی از راههای مربوط نمودن اطلاعات حسابداری، بازنگری در بهای تمام شده دارایی های ثابت می‌باشد که در واژگان حسابداری با عنوان "تجدیدارزیابی دارایی ها" نام برده می‌شود. هدف این تحقیق بررسی دیدگاه مدیران و اساتید دانشگاه در رابطه با تجدیدارزیابی دارایی ها و مشخص نمودن برخی دلایل احتمالی مدیران از افزایش ارزیابی دارایی ها است. در تحقیق مشابه ای که توسط Loh و Tin در سال 2002 انجام شده است به دلیل دسترسی به اطلاعات 15 سال 95 شرکت از مدل سری زمانی استفاده شده است. ولی با توجه به رواج نبودن تجدیدارزیابی در شرکتهای غیردولتی در ایران و دسترسی نداشتن به اطلاعات کامل تجدیدارزیابی های انجام شده در شرکتهای دولتی، در این تحقیق با توزیع پرسشنامه اقدام به جمع‌آوری اطلاعات گردید و سپس برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون تی - استیودنت¹ استفاده شده است.

نتایج حاصله از آزمون فرضیات تحقیق مبین این نکات می‌باشد که تجدیدارزیابی دارایی ها ضرورت دارد و ارزش آنها پس از تجدیدارزیابی افزایش خواهد یافت. همچنین مشخص شد تجدیدارزیابی با نیت افزایش ارزش شرکت توسط مدیران انجام می‌شود و پس از تجدیدارزیابی به دلیل افزایش ارزش دارایی ها نسبت بدهی ریسک کمتر و با منصفانه شدن ارزش منابع مالی شرکت نسبت قیمت به درآمد شاخص بهتری را نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: افزایش یا کاهش ارزش دارایی ها - نسبت بدهی به دارایی - نسبت قیمت به درآمد - بازده دارایی ها - قابلیت

سوددهی

مقدمه

اطلاعات مالی در شرکتهای برای مراجع مختلف از طریق سیستم حسابداری تهیه می‌گردد. ارائه اطلاعات مالی دقیق، به روز و سریع عامل بسیار مهمی در امر تصمیم گیری استفاده کنندگان داخلی و خارجی صورتهای مالی می‌باشد. اما کاهش قدرت خرید پول کشورها در طول زمان یا به عبارت دیگر، تورم و همچنین، تغییرات عمده در قیمت‌های نسبی کالاها و خدمات موجب می‌شود که اطلاعات مربوط به ارزشهای تاریخی (قیمت تمام شده) دارایی های ثابت و سرمایه گذارهای بلندمدت که در صورتهای مالی متعارف منعکس می‌شوند از ارزشهای جاری که بیان‌کننده واقعیت‌های اقتصادی هستند به شدت فاصله بگیرد و در نتیجه، اطلاعات مزبور برای

¹ T- Student

تصمیم‌گیریهای اقتصادی، نامربوط، نارسا و غیرقابل استفاده شوند. یکی از روشهای موجود جهت رفع این نقیصه بازنگری در بهای تمام شده دارایی‌های ثابت و سرمایه‌گذاریهایی بلند مدت می‌باشد که در واژگان حسابداری فرآیند بازنگری در بهای تمام شده و استهلاک انباشته دارایی‌های ثابت و ثبت آثار افزایش قیمت‌ها در حسابها، با عنوان "تجدید ارزیابی دارایی‌ها" نام برده می‌شود. به عبارت دیگر تجدیدارزیابی تنظیم و ارائه مجدد ارزش دفتری دارایی‌ها با هدف تخمین و برآورد ارزش جاری است. یکی از موضوعات اساسی و مطرح، افزایش یا کاهش ارزش دارایی‌ها می‌باشد. در این تحقیق هدف آزمون این موضوع است که آیا شرکتها در تجدیدارزیابی، دارایی‌های خود را افزایش یا کاهش می‌دهند و دلیل یا دلایل این موضوع چیست؟

بحث و بررسی

ماهیت تجدیدارزیابی دارایی‌ها و اثرات حسابداری آن

تجدیدارزیابی دارایی‌ها 3 مزیت بالقوه دارد که شامل به حداقل رساندن انحراف از میثاقهای حسابداری بدلیل محکم بودن ترازنامه، انعکاس قابل قبول ایجاد دیدگاههای بهتر و کاهش نرخ بازده حسابداری شرکتها و در نتیجه بهبود موقعیت تجاری مطابق با قوانین واحدهای دولتی است.

همچنین تجدیدارزیابی دارایی‌ها معایبی از جمله هزینه‌های اضافی همانند کارمزد پرداختی به ارزیابان مستقل نیز دارد. در شرکتی که دیدگاه آتی آنان بی‌ثبات می‌باشد، تجدیدارزیابی هزینه بر است، زیرا منجر به ارائه بازده جاری پایین‌تر و همچنین کاهش سود خالص بدلیل افزایش هزینه استهلاک می‌شود [1].

هزینه‌های تجدیدارزیابی شامل کارمزد پرداختی به ارزیاب، هزینه فرصت و هزینه‌های نقدی مرتبط با انجام عملیات، زمان صرف شده جهت بررسی و مرور ارقام مربوطه به منظور ارائه گزارش، زمان صرف شده بابت بحث و گفتگو با حسابرسان، هزینه‌های نگهداری سوابق و هزینه‌های پرداختی به حسابرسان بابت بررسی و مرور مجدد است. فرض می‌شود که میزان تاثیر این هزینه‌ها بر تصمیم‌گیری مدیریت راجع به تجدیدارزیابی بالا است. [1]

در برخی موارد تجدیدارزیابی دارایی‌های ثابت ارزش دفتری دارایی‌های مشهود و در نتیجه کل دارایی‌ها را افزایش می‌دهد. حقوق صاحبان سهام نیز به همین مبلغ افزایش می‌یابد، چون تجدیدارزیابی به حساب ذخیره تجدیدارزیابی دارایی‌ها بستانکار می‌شود. همچنانکه استهلاک جدیدترین ارزش قابل بازیافت را نشان می‌دهد، تجدیدارزیابی دارایی‌های استهلاک پذیر بر محاسبات سود آتی تاثیر گذار است. سود خالص مجدداً در زمان فروش دارایی تحت تاثیر قرار می‌گیرد. براساس استانداردهای حسابداری سود یا زیان حاصل از فروش دارایی که قبلاً تجدیدارزیابی شده است براساس تفاوت میان مبلغ حاصل از فروش و ارزش دفتری دارایی در زمان فروش محاسبه می‌شود (یا سود/زیان) حاصله در محاسبه سود و زیان دوره مالی که واگذاری انجام می‌شود منظور می‌گردد. به همین ترتیب تجدیدارزیابی دارایی‌های استهلاک ناپذیر نیز در زمان فروش بر سود خالص تاثیر می‌گذارند. بطور خلاصه و بدون در نظر گرفتن هزینه‌های تجدیدارزیابی، اگر شرکتها دارایی‌های استهلاک ناپذیر خود را تجدیدارزیابی نمایند، فقط تاثیر کلی بر ترازنامه خواهد داشت و آن افزایش (کاهش) در ارزش دفتری دارایی‌های مشهود با عدم تغییر در سود خالص است و اگر شرکتی دارایی‌های استهلاک پذیر خود را تجدیدارزیابی نماید، افزایش (کاهش) در خالص دارایی‌های مشهود با کاهش [افزایش] دوره‌ای مبلغ سود همراه خواهد بود. [1]

طبق قوانین انگلستان شرکتها در صورت کاهش موقتی ارزش دارایی‌ها باید ارزش دفتری آنها را به ارزش قابل بازیافت کاهش دهند. این قانون شامل کلیه دارایی‌های ثابت مشهود می‌شود و این کاهش ارزش زیان تحقق یافته محسوب شده و به صورت سود و زیان منتقل می‌شود. ولی در صورتیکه دارایی قبلاً مورد تجدیدارزیابی قرار گرفته باشد (افزایش ارزش پیدا کرده باشد) مبلغ کاهش یافته به ذخیره تجدیدارزیابی منتقل می‌شود. اگر تمام دارایی‌های ثابت شرکتی تجدیدارزیابی شوند زیان برخی دارایی‌ها با سود سایر دارایی‌ها حتی در صورت عدم افزایش ارزیابی قبلی، تهاتر می‌شود. کاهش ارزشها اغلب مستقیماً به حساب ذخیره منتقل

می‌شوند. تجدیدارزیابی تا زمانی که منجر به تغییر در صورتهای مالی اساسی می‌شود، مستقیماً بر قراردادهای مرتبط با اعداد حسابداری تاثیرگذار است. برخلاف سایر رویه‌های حسابداری، تجدیدارزیابی دامنه کوچکی را برای یکنواخت شدن سود گزارش شده پیشنهاد می‌کند لذا بعید است تاثیر مستقیمی بر قراردادهای اجرایی داشته باشد. به عبارت دیگر تجدیدارزیابی می‌تواند همانند تاثیر بر کاهش عدم تقارن اطلاعات بین شرکت و استفاده‌کنندگان خارجی، با تقویت ترازنامه بر قراردادهای بدهی تاثیرگذار باشد و همچنین در صورت امکان، احتمال مطرح شدن پیشنهاد خرید سهام شرکت از سوی دیگران را کاهش دهد. همچنین تجدیدارزیابی از طریق به تصویر کشیدن کاهش بازده سرمایه شرکت برای واحدها و مراکز دولتی به نفع شرکت عمل می‌کند. معایب بالقوه تجدیدارزیابی دارایی‌ها شامل ارائه بازده سرمایه کمتر به سرمایه‌گذاران و هزینه‌های اضافی خارج از سبد مصرفی (بطور عمده حق‌الزحمه ارزیابان مستقل) می‌باشد. اگر تجدیدارزیابی منجر به تغییر صورتهای مالی شود و فرض کنیم که مدیریت فقط در صورت کاهش هزینه‌های تامین مالی از طریق تجدیدارزیابی، این کار را انجام می‌دهد، احتمالاً تجدیدارزیابی اشاره به منافع خاصی دارد. [14]

عوامل موثر بر تجدیدارزیابی

تحقیقات انجام شده توسط چان و ویترد¹ در 1993، آیزان و لو² در 1992، زیمر و کاتر³ در 1995 و گریمینک⁴ در 1998 نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری راجع به تجدیدارزیابی دارایی‌ها تا حدی تحت تاثیر عوامل اقتصادی ناشی از قراردادها⁵ و فضای سیاسی⁶ است که شرکتها با آن روبرو هستند. [19، 15.6، 10]

این تحقیقات نشان می‌دهد که کاهش حقوق صاحبان سهام با افزایش ارزش دارایی‌ها رابطه دارد. همچنین براساس یافته‌های این تحقیقات نقدینگی ضعیف، عدم توانایی پرداخت بدهی‌ها، اندازه و میزان دارایی‌ها با تجدیدارزیابی دارایی‌ها رابطه مستقیم دارد. تجدیدارزیابی با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری رابطه معکوس دارد. همه این متغیرها در انجام تجدیدارزیابی موثر می‌باشند اما فقط کاهش حقوق صاحبان سهام، نقدینگی و اندازه، شاخصهای قابل اعتمادی برای زمان‌بندی تجدیدارزیابی هستند. [13]

براساس تحقیقات انجام شده توسط چان و ویترد⁷ در 1993 ارزیابی‌کنندگانی که دیدگاههای رشد⁸ بالاتر داشته‌اند، با محدودیتهای استقراض روبرو بوده‌اند و ذخایر نقدی کمی هم داشته‌اند. تحقیقاتی نیز هم در زمان بالا بودن تورم و هم در زمان پائین بودن تورم انجام شده است که وجود ترس از ادغام و کنترل توسط یک شرکت دیگر، احتمال اعتصابات کارگری، انتشار سهام جایزه و دیدگاههای رشد بالاتر را تفاوت میان تمایل به تجدیدارزیابی دارایی‌ها نشان می‌دهد. [18].

مطالعه ای دیگری که توسط زیمر و کاتر⁹ در 1995 انجام شده است نشان می‌دهد که شرکتهایی که تجدیدارزیابی می‌کنند تمایل به کاهش وجه نقد حاصل از عملیات و افزایش سطوح بدهی تضمین شده دارند. [6].

در نهایت گریمینک¹⁰ در 1998 نشان داد که در شرکتهای موفق صنایع بی ثبات یا شرکتهایی که نسبتهای اهرمی پائینی دارند، احتمال تجدیدارزیابی دارایی‌ها کمتر می‌باشد. در تحقیقات قبلی فرض گردیده است که تصمیم‌گیری راجع به تجدیدارزیابی ناشی از ارزیابی و مقایسه منافع و هزینه‌ها می‌باشد. تا زمانی که تجدیدارزیابی صورتهای مالی را تغییر دهد، مستقیماً بر قراردادهای مرتبط نیز

۱- Chan,Whittred

۲- Izan,Loh

۳- Zimmer,Cotter

۴-Gaeremynck

۵- Contracting

۶- Political environment

۷- Chan,Whittred

۸-Growth Opportunitries

۹- Zimmer,Cotter

۱۰-Gaeremynck

تاثیر گذار خواهد بود. از جمله فشار تعهدات بدهی و عدم تقارن اطلاعاتی مابین شرکت و استفاده کنندگان خارجی را کاهش می‌دهد. البته لازم به ذکر است ممکن است آنچه برای شرکتی مناسب است برای دیگری نامناسب باشد [10].

براساس نتایج بدست آمده از تحقیقات انجام شده عوامل مختلفی با تصمیم‌گیری راجع به تجدیدارزیابی دارایی‌ها در ارتباط هستند که از جمله این عوامل که در تحقیق حاضر نیز به بررسی نوع و دلایل این روابط پرداخته شده است، می‌توان به اهرم سازی¹، قابلیت سوددهی و ارزش سهام اشاره نمود.

اهرم سازی

در بسیاری از مطالعات بیان شده که انحراف از میثاقهای حسابداری هزینه‌بر است و این هزینه یکی از عوامل تعیین‌کننده گزینه‌های حسابداری می‌باشد. تاثیر این عامل با بررسی میزان انحراف شرکت از میثاقهای حسابداری در قراردادهای بدهی تعیین می‌شود. انتظار می‌رود که این میثاقها² بصورت یک یا چند محدودیت در میزان بدهی که شرکت قادر به تقبل آن است و معمولاً هم با نسبت بدهی به کل سرمایه عنوان می‌شود، موثر باشد. در هر صورت فرم و شکل دقیق هر یک از محدودیتها به راحتی قابل مشاهده نمی‌باشد [14].

لمک و پیچ در 1992³ در تحقیقات خود به این موضوع اشاره می‌کنند که بدهی دولتی نسبت به تامین مالی از بخش خصوصی منبع نامطمئنی در اکثر شرکتهای جامعه آماری آنها بوده است. حتی در صورت تامین مالی دولتی، جزییات محدودیتهای موجود به آسانی قابل دسترس نبوده است، علاوه بر این در بیشتر شرکتهایی که از تامین منابع مالی کوتاه مدت بانکی استفاده کرده‌اند محدودیتهای اهرم سازی بیشتر بصورت ضمنی بوده تا آشکار [12].

در تحقیقات ویتراپت و پرس در 1990⁴ و هانت و دوک⁵ در 1990 در رابطه با تجدیدارزیابی دارایی‌ها، اهرم سازی معیار تعیین میزان انحراف از میثاقهای حسابداری⁶ عنوان شده که در قراردادهای ضمنی، با تامین مالی کوتاه مدت بانکی در ارتباط است [8] و [17].

اگر چه عنوان شده است که موضوع تجدیدارزیابی بعنوان ابزار موثر حسابداری باید همچنان باز باقی بماند، ولی از آنجائیکه این موضوع، قدرت وام‌دهندگان بمنظور مستثنی نمودن تجدیدارزیابی‌ها یا تجدیدارزیابی‌های بعد از تاریخ معین از مبنای استفاده شده در محاسبه اهرم سازی است پس می‌توان گفت تجدیدارزیابی دارایی‌ها با اهرم سازی رابطه مستقیم دارد [13].

اهرم سازی هم در تعیین میزان فشار و تعداد محدودیتهای میثاقی حسابداری موجود بکار می‌رود [17 و 16] و هم بدلیل نقش اطلاعاتی آن در مشخص کردن مشکلات مالی استفاده می‌شود. [13]

ایستون⁷ در 1993 به این نتیجه رسید که کمرنگ کردن محدودیتهای بدهی و رسیدن به انعطاف‌پذیری مالی دلایلی هستند که اغلب توسط کنترل‌کنندگان مالی بعنوان انگیزه اولیه تجدیدارزیابی در استرالیا بیان میشوند. از نسبت بدهی به کل دارایی‌ها بعنوان متغیری برای تعیین میزان بدهی شرکت استفاده می‌شود. در این تحقیق پیش‌بینی شده بود که تجدیدارزیابی ناشی از عملکرد منفی نقدینگی است [می‌توان از نسبت آنی بعنوان شاخص نقدینگی استفاده نمود]. نقدینگی ضعیف انعطاف‌پذیری مالی را کاهش می‌دهد بنابراین شرکتهایی که با کمبود منابع نقدی روبرو هستند در نشان دادن عکس العمل نسبت به فرصتهای سرمایه‌گذاری از قدرت

۱- Gearing

۲- Covenants

۳- Lemek , Page

۴- Weintrop, Press

۵- Hunt, Duke

۶- Accounting-based covenants

۷- Easton

پائینی برخوردار می‌باشند. تجدیدارزیابی با ارائه اطلاعات به موقع درباره وجوه نقدی که در آینده از طریق فروش اموال بدست خواهد آمد، به حل این موضوع کمک می‌نماید و بنابراین منجر به افزایش ظرفیت استقراض می‌گردد. [13]

قابلیت سوددهی

بحتهای پیچیده‌ای راجع به رابطه بین تجدیدارزیابی و سوددهی صورت می‌گیرد. بنظر می‌رسد احتمال تجدیدارزیابی در شرکتهایی که سوددهی بالاتری دارند (سوددهی که از طریق بازده سرمایه بکاررفته، ROCE، محاسبه می‌شود) نسبت به شرکتهایی که سوددهی کمتری دارند، بیشتر باشد. بمنظور دقت بیشتر، پیش‌بینی می‌شود شرکتهایی که سوددهی بیشتری دارند از سوی واحدهای دولتی تحت فشار افزایش حقوق منافع هستند و این موضوع انگیزه تجدیدارزیابی دارایی‌های ثابت را در آنها بوجود می‌آورد. به عبارت دیگر هم قرارداد بدهی و هم ملاحظات قابل توجه¹ اشاره به وجود رابطه معکوس بین تجدیدارزیابی و سوددهی دارند [14].

قرارداد بدهی: اهرم سازی بیش از حدی که بواسطه عایدات کم بوجود آمده است [همراه کاهش در مبلغ دارایی] می‌تواند از طریق تجدیدارزیابی بهبود یابد.

قابل توجه²: تجدیدارزیابی روشی را فراهم می‌کند که شرکتهایی که دارایی‌های قوی و عایدات کم دارند بتوانند خودشان را از شرکتهای غیرسوددهی که ترازنامه‌های محکم و قوی دارند متمایز کنند.

همچنین براساس بحث‌های مربوط به هزینه سیاسی، تجدیدارزیابی با قابلیت سوددهی رابطه مستقیم دارد، از سوی دیگر هم قرارداد بدهی و هم پادشاهای قابل توجه اشاره به رابطه معکوس بین تجدیدارزیابی و سوددهی دارند. بنابراین پیش‌بینی نوع رابطه بین تجدیدارزیابی و قابلیت سوددهی به آسانی امکان پذیر نیست. در واقع به این نتیجه رسیده‌اند که بازده سرمایه بکارگرفته شده با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری رابطه محکمی دارد [14].

پیش‌بینی می‌شود که عامل هزینه سیاسی معمولاً به شرکتهای بزرگتر محدود خواهد شد، چون بیشتر این شرکتهای تحت تاثیر قرارداد بدهی و عوامل قابل توجه هستند. بنابراین پیش‌بینی می‌شود که عوامل منفی بر عوامل مثبت غلبه خواهند یافت. به هر حال موضوع اصلی این است که تجدیدارزیابی با بازده سرمایه بکار رفته رابطه معکوس دارد [13].

ارزش سهام

ارزش سهام برای هر خریدار متفاوت است، بدون شک یک خریدار بخصوص را در موقعیت خاصی از لحاظ کنترل یا اعمال نفوذ در شرکت قرار می‌دهد، قیمت خرید تابع ضریبهای افزایشی خواهد بود ولی برای خریداری که تعداد نسبتاً کمی از سهام یک شرکت را خریداری می‌نماید، عامل ویژه‌ای از لحاظ تعیین قیمت در کار نیست و میزان عرضه و تقاضا که تعیین کننده قیمت است همیشه تحت تاثیر قیمت نسبت بر درآمد شرکت مورد نظر در مقام مقایسه با شرکتهای دیگر در نوسان خواهد بود.

$$\text{قیمت سهام در بازار} = \text{نسبت قیمت به درآمد}$$

سود هر سهم

هر قدر نسبت قیمت به درآمد یک سهم در مقابل سهام مشابه کمتر باشد در نتیجه افزایش تقاضا و کاهش عرضه، قیمت آن بالاتر خواهد رفت و برعکس چنانچه این نسبت در مقام مقایسه با سهام مشابه زیاد باشد، قیمت سهم کاهش خواهد یافت. دست‌کم این قاعده‌ای است که طبق آن خریدار و فروشنده سهام در بورس باید عمل نمایند، ولی بعضی مقررات و قوانین مالی ایران این فرمول را بی‌خاصیت کرده‌اند.

۱- Signaling consideration

۲- Signaling

همانطور که در بالا بحث شد مبلغ سود هر سهم در ایران بدلیل محدودیتهایی که از لحاظ تجدیدارزیابی دارایی های ثابت وجود دارد، بطور غیرواقعی بالاست. این مسئله سبب می شود که نسبت قیمت به درآمد سهام نسبت به ارقام مربوطه به صنایع مشابه در کشورهای خارجی رقم بالایی باشد. ممکن است استدلال نماییم که چون این امر در مورد همه کشورها مصداق دارد، بنابراین نسبتهای قیمت به درآمد در هر صورت قابل مقایسه خواهند بود. ولی اگر در نظر بگیریم که دارایی های ثابت شرکتهای مختلف در زمانهای متفاوت تحصیل شده است و بنابراین تفاوت بین ارزش روز و قیمت دفتری آنها، یعنی تفاوتی که بصورت اندوخته منفی در حسابها وجود دارد، نسبت یکنواختی در ترکیب سرمایه هر شرکت ندارد، توجه خواهیم نمود که بدون تجدیدارزیابی دارایی ها، در نسبت فوق یک مخرج یکنواخت و منصفانه خواهیم داشت.

اما قیمت سهم در بازار، یعنی مبلغی که یک خریدار آزاد حاضر است برای تحصیل سهم پرداخت نماید، تابع عاملی روانی است. در کشور ما، بطوریکه گفته شد، چون نگهداری سود بصورت اندوخته یا سود تقسیم نشده و همچنین پرداخت و اضافه ارزش سهام ثبت نشده است و برعکس، لذا قسمت اعظم افزایش سرمایه ها به قیمت اسمی به سهامداران فعلی شرکتهای تخصیص داده می شود، از نقطه نظرات روانشناسی بازار، ارزش اسمی هر سهم بیش از حد معقول اهمیت یافته است و حالت لنگر سنگینی را پیدا کرده است که از حرکت صحیح ارزش واقعی سهام جلوگیری می کند.[2]

نتیجه کلی این مقررات مالی در ایجاد سنتهای مالی و حسابداری شرکت آثار بسیار قابل توجهی دارد. اگر هدف ایجاد و تقویت یک بازار سرمایه برای استفاده شرکتهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی و خدماتی باشد، باید مقررات و قوانین مالی طوری تدوین گردد که افراد به سرمایه گذاری در شرکتهای تشویق شوند. برای این امر باید ارزش واقعی سهام شرکتهای مشخص گردد تا فروشندگان سهام نیز به امر فروش سهام رغبت نمایند و با دادوستدهایی که بدین ترتیب در مورد سهام بوجود می آید بازار سرمایه برای شرکتهای واضح گردد.

از طرف دیگر، چه از جهات اقتصادی موضوع و چه از جهات مالیاتی، بدون شک به نفع دولت و بازار سرمایه است که مقررات مالیاتی طوری تدوین گردد که نگهداری سود در شرکتهای را هر چه بیشتر تشویق نماید و سود سهام را، بخصوص در مواردی که بین صاحبان سهام بی نام تقسیم می گردد، مشمول نرخ مالیاتی بیشتری نماید.[2]

عکس العمل برخی از شرکتهای نسبت به کاهش ارزش دارایی ها مثبت می باشد در حالیکه سایر شرکتهای به محض کاهش ارزش دارایی ها کاهش در قیمت سهام را نیز تجربه می کنند. انتظار می رود بازار در برابر شرکتهایی که نسبت گردش دارایی پایین تری دارند عکس العمل مثبت نشان دهد. به عبارت دیگر اگر عملکرد خوب شرکتهای درگیر کاهش ارزش اجباری دارایی ها شود، بازار متوجه رفتار فرصت طلبانه مدیران شده و عکس العمل منفی نسبت به این فعالیتهای بی ارزش نشان می دهد.[16].

الیوت¹ و شو¹ در سال 1998 عکس العمل نامساعد بازار نسبت به کاهش ارزش را تشریح می نمایند. استران و میر² در به عکس العمل مثبت بازار اشاره می کنند.

کیم و کن³ در 2000 براساس تحقیقی که انجام داده اند بیان می کنند بازار نسبت به شرکتهایی که بدنبال افزایش کارایی از طریق اصلاح ساختار هستند عکس العمل مثبت نشان می دهد. بعلاوه این شرکتهای در طول دوره انجام تجدیدارزیابی از جدول مالیاتی بالایی برخوردارند.

بالا بودن نرخ مالیات برای آنها بیانگر این مطلب است که امکان دارد تصمیمات مربوط به کاهش ارزش دارایی ها در این شرکتهای تحت تاثیر ملاحظات مالیاتی قرارگیرد. از اینرو آنها سعی در استفاده از کاهش ارزش دارایی ها در کاهش هزینه مالیات دارند. در نهایت کاهش ارزش در اینگونه شرکتهای با هزینه های سرمایه ای بیشتر، دارایی های نامشهود کمتر، نسبت دفعات گردش دارایی پایین تر و دوره دارایی کمتر در مقایسه با دیگر شرکتهای همراه می باشد. همچنین آنها عنوان نموده اند برخی معتقدند که کاهش ارزش

۱ - Elliot, Show

۲ - Strong, Meyer

۳ - Kim, Kown

دارایی های سرمایه‌ای دلالت بر گردش وجه نقد آتی دارد. اگر چنین چیزی درست باشد، بر قیمت‌های جاری تاثیر خواهد داشت، در غیر اینصورت انتظار می‌رود قیمت‌ها نسبت به اطلاعات جدید عکس‌العمل نشان دهند. کاهش ارزش بیانگر این مطلب است که دارایی های ثابت شرکت توان انجام برنامه‌های پیش‌بینی شده را ندارند و در واقع وجود رابطه معکوس با بازده مازاد نشان می‌دهد که کاهش ارزش دارایی های ثابت منجر به اصلاح و کاهش انتظارات بازار درباره بهره‌وری آتی دارایی های سرمایه‌ای می‌شود. به همین ترتیب امکان دارد کاهش ارزش دارایی های استفاده شده ناشی از تغییرات سریع نوآوری و تکنولوژی باشد. پیش‌بینی این مسئله در اقتصاد نوین و در شرایط فعلی به آسانی امکان‌پذیر نمی‌باشد. ممکن است طی دوره کوتاهی شرکتها مجبور به کاهش ارزش دارایی ها خود شوند که این موضوع فقط به دلیل اشتباه در تصمیم خرید این دارایی نمی‌باشد، بلکه ممکن است صرفاً ایجاد تغییرات سریع در محیط راهکاری جز کاهش ارزش دارایی های فعلی باقی نگذارد. در ضمن انتظار می‌رفت کنارگذاری سریع و اجباری دارایی های سرمایه‌ای علامت ناخوشایندی برای بازار باشد. اساس این فرض بر مبنای یافته‌های قبلی که بیانگر رابطه مستقیم هزینه‌های سرمایه‌ای با بازار بود، استوار است. در اینصورت اگر شرکتی دارایی های خود را قبل از پایان عمر مفید آنها کنار گذارد، نشانه‌ای از عدم کارایی خواهد بود مگر اینکه شرکت دلایل این مسئله را توضیح دهد. اگر بازار بررسیهای همه جانبه‌ای در رابطه با سرمایه‌گذاری انجام داده باشد کنارگذاری زودتر از موعد دارایی های سرمایه‌ای بعید بنظر می‌رسد.

رابطه تجدیدارزیابی دارایی ها با قیمت سهام در تحقیقات دیگری مورد بررسی قرار گرفته است، که نتایج این تحقیقات رابطه معنی‌دار قوی را بین تجدیدارزیابی دارایی ها و قیمت سهام نشان می‌دهد. اما رابطه تجدیدارزیابی دارایی ها با بازده ضعیف‌تر بوده یا حتی این رابطه معکوس است. هریس و همکارانش¹ در 1999 به این نتیجه رسیدند که تجدیدارزیابی دارایی ها [بطور عمده اموال] ارزش دفتری آنها و قیمت سهام شرکت را افزایش می‌دهد، اگر چه این تجدیدارزیابی با کمبود زمان روبرو باشد [11]. کلینچ و بارس² در 1998 در استرالیا وجود رابطه بین تجدیدارزیابی دارایی ها و سطوح قیمت را تایید کردند، اگرچه نتایج در صنایع مختلف و برای انواع دارایی ها متفاوت بود. [6]

فرضیه های تحقیق

- در راستای تحقق هدف اصلی تحقیق فرضیه‌هایی بشرح زیر طراحی گردیده‌اند :
- فرضیه 1: قصد مدیریت از افزایش ارزش دارایی ها افزایش ارزش شرکت می باشد.
 - فرضیه 2: افزایش ارزش دارایی ها با سود شرکت رابطه معنی داری دارد.
 - فرضیه 3: در پی افزایش ارزش دارایی ها نسبت قیمت به درآمد شاخص بهتری را نشان می‌دهد.
 - فرضیه 4: در افزایش ارزش دارایی ها نسبت بدهی ریسک کمتری را نشان می‌دهد.

روش تحقیق و تجزیه و تحلیل آماری

در تحقیقات مشابه‌ای که در کشورهای مختلف در این زمینه انجام شده است، به دلیل انجام تجدید ارزیابی در آن کشورها و همچنین امکان دسترسی به اطلاعات مورد نیاز تحقیق، بمنظور انجام آزمون فرضیات اطلاعات موجود مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بطور مثال در تحقیق انجام شده توسط لو و تین³ در سال 2002 با توجه به دسترسی به اطلاعات 15 سال 95 شرکت از مدل سری زمانی استفاده شده است [15]. ولی به دلیل سابقه کم تجدیدارزیابی در شرکتهای غیردولتی در ایران و همچنین عدم دسترسی به اطلاعات جامع و کامل تجدیدارزیابی‌های انجام شده در شرکتهای دولتی، در این تحقیق ابتدا با بررسی و مطالعه کتب، مقالات و تحقیقات انجام شده داخلی و خارجی در این زمینه به استخراج و تلخیص مبانی نظری مرتبط با موضوع تحقیق پرداخته شد. سپس از

۱- Harris

۲- Barth ,Clinch

۳-Loh, Tin

طریق پرسشنامه و توزیع آن که اعتبار ساختاری و محتوایی آن مورد تایید قرار گرفته بود، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات گردید. پرسشنامه متشکل از دو بخش بود. در بخش اول اطلاعات عمومی مربوط به پاسخ‌دهندگان جمع‌آوری گردیدند. در بخش دوم که سوالات مطرح شده‌اند، ابتدا با سه سوال باز ضرورت یا عدم ضرورت تجدیدارزیابی دارایی‌ها، نوع تغییر و دلیل یا دلایل این تغییر از دیدگاه جامعه آماری مورد بررسی قرار گرفت. در قسمت دوم سوالات تغییر ارزش دارایی‌ها پس از تجدیدارزیابی و رابطه تجدیدارزیابی دارایی‌ها با سود شرکت، ارزش سهام و نسبت بدهی با بیست سوال مورد بررسی قرار گرفت.

جامعه آماری این تحقیق را مدیران مالی 139 شرکت تحت پوشش سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و همچنین 33 نفر اعضاء هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی تهران در رشته حسابداری تشکیل داده‌اند. با توجه به نوع فعالیتها، 84 شرکت که در زمینه‌های آموزشی، تحقیقاتی و خدماتی و بازرگانی فعالیت داشته‌اند و شامل این موضوع نمی‌شده‌اند از جامعه آماری حذف گردیدند و سایر شرکتها [55 شرکت] بعنوان نمونه انتخاب گردیده‌اند. همچنین کلیه اعضاء هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی تهران در رشته حسابداری نیز به عنوان نمونه انتخاب گردیده‌اند. بنابراین نمونه آماری تحقیق حاضر 88 نفر می‌باشد که برای هر یک از آنها پرسشنامه‌ای ارسال گردید. از مجموع پرسشنامه‌های ارسالی، تعداد 76 پرسشنامه برگشت که بر مبنای اطلاعات جمع‌آوری شده فرضیات تحقیق آزمون گردیده و براساس نتایج بدست آمده پیشنهاداتی ارائه گردید.

بمنظور تجزیه و تحلیل سوالات باز روش آمار توصیفی مورد استفاده قرار گرفت، بدین ترتیب که پاسخهای ارائه شده پس از مطالعه و بررسی دسته‌بندی شده و سپس براساس نتایج بدست آمده مشخص گردید که چه درصدی از پاسخ‌دهندگان به هر دسته پاسخ داده‌اند.

در این تحقیق چهار فرضیه مورد آزمون قرار گرفت. برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون تی - استیودنت¹ استفاده شده است. در این تحقیق $[\mu_x]$ معرف میانگین پاسخهای سوالات است که از -2 تا 2 امتیاز گرفته‌اند. با توجه به میانگین امتیازات برای هر سوال، $\mu_x=0$ است. لذا میانگین امتیازات برابر صفر مورد قبول بوده و مابقی پذیرش نمی‌شود. از اینرو فرضیات آماری تحقیق حاضر بر حسب نوع فرضیه پژوهشی بصورت زیر تعریف می‌شود:

$$\begin{cases} H_0 : \mu_x = 0 & \text{نقیض ادعا} \\ H_1 : \mu_x \neq 0 & \text{ادعا} \end{cases}$$

آماره آزمون عبارت است از: $t = \frac{\bar{X} - m_0}{S_x / \sqrt{n}}$ که دارای توزیع تی-استیودنت با درجه آزادی $df = n - 1$ است.

با توجه به فرضیات پژوهش آزمون که از نوع دو دنباله است، مقدار بحرانی با استفاده از جدول استاندارد t برای سطح $\alpha=0/5$ برابر با $1/96$ می‌باشد.

مقدار محاسبه شده آماره آزمون با مقدار بحرانی محاسبه می‌شود. چنانچه آماره آزمون در ناحیه رد قرار گیرد، گفته می‌شود که آزمون در سطح α معنی دار است، یعنی با اطمینان $[1-\alpha]$ 100 درصد ادعای مورد نظر را نمی‌توان رد نمود.

بمنظور مقایسه نظرات اساتید و مدیران مالی شرکتها با یکدیگر از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه آماری استفاده شده است که در این تحقیق $(\mu_1$ و $\mu_2)$ معرف میانگین‌های پاسخهای سوالات گروه مدیران و گروه اساتید دانشگاه است و از -2 تا 2 امتیاز گرفته‌اند. در صورتیکه میانگین‌های دو جامعه با هم برابر باشند یا به عبارتی تفاضل آنها صفر باشد فرض H_0 مورد قبول بوده و نشان‌دهنده عدم تفاوت میان نظرات مدیران و اساتید می‌باشد. همچنین اگر میانگین‌های دو جامعه با هم برابر نبوده یا عبارتی تفاضل آنها مخالف صفر باشد فرض H_0 مورد قبول نبوده و نشان‌دهنده وجود تفاوت میان نظرات مدیران و اساتید می‌باشد.

$$\begin{cases} H_0 : \mu_1 = \mu_2 \\ H_1 : \mu_1 \neq \mu_2 \end{cases}$$

آماره آزمون عبارت است از : $T = \frac{(\bar{X}_1 - \bar{X}_2) - (m_1 - m_2)}{S_p \sqrt{\frac{1}{n_1} + \frac{1}{n_2}}}$ که دارای توزیع تی - استیودنت با درجه آزادی $n_1 + n_2 - 2$ است.

در این مرحله مقدار محاسبه شده آماره آزمون با مقدار مقدار بحرانی محاسبه می‌شود. چنانچه آماره آزمون در ناحیه رد قرار گیرد، گفته می‌شود که آزمون در سطح α معنی‌دار است، یعنی با اطمینان $100(1-\alpha)$ درصد فرض صفر را رد می‌شود [1].

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

نتایج حاصل از آزمون فرضیات

نتایج تجزیه و تحلیل سوالات و فرضیات تحقیق بشرح زیر هستند:

1- به دلیل ارائه دارایی‌ها به بهای تمام شده تاریخی در زمان تحصیل آنها در صورتهای مالی، خرید برخی از دارایی‌های شرکت با ارزش دولتی در سالهای قبل و وجود نوسانات نرخ ارز، مبالغ ثبت شده در صورتهای مالی نشان‌دهنده ارزش واقعی دارایی‌های شرکت نمی‌باشد و همچنین از سوی دیگر مستهلک شدن دارایی‌ها طی عمر مفید آنها و ناباب شدن برخی از دارایی‌ها، همگی باعث نامربوط و غیرقابل استفاده شدن اطلاعات موجود در صورتهای مالی برای تصمیم‌گیریهای اقتصادی می‌شود؛ بنابراین لازم است به منظور ارائه مطلوب صورتهای مالی، دارایی‌ها تجدیدارزیابی شوند.

2- با توجه به نتایج بدست آمده بدلیل وجود تورم، استفاده از ارزش دولتی در خرید دارایی‌ها که نرخ آن تغییرات چشم‌گیری داشته است و همچنین ادامه نوسانات رو به بالا نرخ ارز، ارزش دارایی‌ها پس از تجدیدارزیابی افزایش خواهد یافت، لذا فرضیه اول تحقیق که به بررسی قصد مدیریت از افزایش ارزش دارایی‌ها می‌پردازد در سطح اطمینان 95% مورد تایید قرار گرفت. به عبارت دیگر از دیدگاه جامعه آماری تحقیق، قصد مدیریت از افزایش ارزش دارایی‌ها افزایش ارزش شرکت است.

3- نتایج تحقیقات قبلی نشان می‌دهد پیش‌بینی نوع رابطه بین تجدیدارزیابی و قابلیت سوددهی به آسانی امکان‌پذیر نیست. همچنین با توجه به بررسیهای انجام شده در این تحقیق فرضیه دوم که به بررسی رابطه افزایش ارزش دارایی‌ها با سود شرکت می‌پردازد در سطح اطمینان 95% مورد تایید قرار نگرفت؛ یعنی افزایش ارزش دارایی‌ها با سود شرکت رابطه معنی‌داری ندارد.

4- براساس بررسیهای بعمل آمده رابطه منطقی بین افزایش ارزش دارایی‌ها و قیمت سهام در بازار وجود دارد و بدلیل واقعی‌تر شدن ارزش دارایی‌های شرکت پس از تجدیدارزیابی و به عبارت دیگر منصفانه شدن ارزش منابع مالی شرکت، موجبات تعیین قیمت منصفانه نیز فراهم خواهد شد بنابراین فرضیه سوم تحقیق در رابطه با وضعیت نسبت قیمت به درآمد پس از افزایش ارزش دارایی‌ها است نیز همانند فرضیه اول در سطح اطمینان 95% مورد تایید قرار گرفت؛ بعبارتی این نسبت پس از تجدیدارزیابی دارایی‌ها نسبت بهتری خواهد بود.

5- با توجه به کاهش نسبت بدهی به دارایی¹ پس از افزایش ارزش دارایی‌ها در تجدیدارزیابی و همچنین با توجه به نظر پاسخ‌دهندگان که پایین بودن این نسبت مورد توجه آنها بوده، لذا فرضیه چهارم نیز در سطح اطمینان 95% مورد تایید قرار گرفت؛ یعنی در پی افزایش ارزش دارایی‌ها نسبت بدهی ریسک کمتری را نشان می‌دهد.

ارائه پیشنهادات

¹ Debt-to-asset ratio

در این قسمت به نقطه نظرات و پیشنهاداتی که در خلال انجام مطالعه و تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات و مراجعه به کتب و نشریات تخصصی که در راستای رفع موانع موجود به نظر رسیده است اشاره می‌شود.

1- باتوجه به دلایل ذکر شده در خصوص ضرورت تجدیدارزیابی دارایی‌ها اجرای هرچند سال یکبار تجدیدارزیابی پیشنهاد می‌شود ولی بدلیل تحمیل هزینه‌هایی از جمله هزینه‌های سنگین و در نتیجه بروز مشکل در وضعیت نقدینگی شرکتها از انجام سالانه آن خودداری گردد.

2- در انجام تجدیدارزیابی بدلیل اهمیت موارد و شاخصهای تحت تاثیر این موضوع باید به تخصص شخص ارزیابی‌کننده، شاخصهای ارزیابی، کیفیت دارایی و عمر مفید آن توجه نمود.

3- براساس IAS # 29 صورتهای مالی باید سالانه بطور کامل و جامع بدلیل تغییرات سطح عمومی قیمتها تعدیل گردد چون با گزارشگری صورتهای مالی تعدیل شده اطلاعات صحیح تر و شفاف تری در مورد نتایج و عملکرد وضعیت مالی تجاری در اختیار قرار می‌گیرد. اجرای این استاندارد یکی از مواردی است که در آینده توصیه آن توسط کمیته تدوین استانداردهای ملی با توجه به شرایط تورمی ایران اجتناب ناپذیر خواهد بود.

پیشنهادات برای تحقیقات آتی

- 1- بررسی موضوع تجدیدارزیابی دارایی‌ها از دیدگاه بانکها و موسسات اعتباری و سرمایه‌گذاران بطور جداگانه.
- 2- بررسی لایحه پیشنهادی دولت در خصوص تجدیدارزیابی دارایی‌ها که طبق آن اشخاص حقوقی با رعایت ضوابط مقرر مجاز به تجدیدارزیابی دارایی‌های خود می‌باشند.
- 3- مقایسه ضوابط و استانداردهای بین‌المللی مربوط به تجدیدارزیابی دارایی‌ها با استانداردهای داخلی.
- 4- بررسی سایر عوامل موثر بر تصمیم‌گیری راجع به تجدیدارزیابی دارایی‌ها.

منابع و ماخذ

منابع فارسی

1. آذر، عادل و جعفر مؤمنی (1379)، "آمار و کاربرد آن در مدیریت"، جلد اول و دوم، چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.
2. بهرامفر، تقی، (1373)، "تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت در دوران تورم و اثرات آن بر نتایج عملیات و وضعیت مالی شرکتها"، تهران: دانشگاه تهران.

منابع انگلیسی

3. Brawn, p., Izan, h. and Loh. (1992). "Fixed asset Revaluations and managerial Incentives", *Abacus*, March, pp.
4. Chia, f., (1995), "An Investigation into the Causes and Effects of Asset write-offs in Australia", PhD dissertation, University of Western Australia, November.
5. Cotter, J. and Zimmer, I., (1999). "Why do some firms recognize whereas others only disclose Asset Revolution?" October, <http://ssrn.com>

6. Cotter, J. and I. Zimmer, (1995). "Asset revaluation and assessment of borrowing capacity", *Abacus*, September, pp. 136-151.
7. Duke, J.C., Hunt, H.G., (1990). "An Empirical examination of debt covenant restrictions and accounting-related debt proxies", *Journal of accounting and economics*, January, pp. 45-36.
8. Easton, P.D., Edey, P.H., Harris, T.S., (1993). "An investigation of revaluation of tangible long-lived asset", *Journal of accounting research [supplement]*, pp.
9. Elliot, J., and Shaw, W., (1996). "Write-Offs as Accounting Procedures to Manage Perceptions", *Journal of Accounting Research*, Vol. 26 [Supplement].
10. Gaeremynck, A, Veugelers, R., (1998). "The revaluation of asset as a signaling device: A theoretical and empirical analysis", *Accounting and business research*, January, pp. 100-130.
11. Harris, M.S., Muller, K.A., (1998). "The Relative informativeness of fair value versus historical cost amounts for long-lived tangible assets", *Journal of Accounting and Economics*, September, pp.
12. Lemek, K.W. Page, M.J. (1992). "Economics determinants of accounting policy choice: The case of current cost accounting in the U.K.", *Journal of Accounting and Economics*, March, pp.
13. Lin, Y.C., Peasnell, k. V., (1999). "Fixed asset revaluation
14. And equity depletion in the UK", *Journal of Business Finance and Accounting*, Vol.30, pp.
15. Lin, Y.C., Peasnell, k. V., (2000). "Asset Revaluation and Current Cost Accounting", *the British Accounting Review*, Vol. 32, June, pp.
16. Loh, I., Tan T., (2002). "Asset write-offs Managerial Incentives and Macroeconomic Factor", *Abacus*, Vol. 38, No.9, pp.
17. Kim, S., Kwon, S., (2001). "SFAS 121 asset write-down: Early vs. LATE firm", <http://ssrn.com>.
18. Press, E.G., Weintrop, J.B., (1990). "Accounting-based constraints in public and private debt agreements: The association with gearing and accounting method choice", *Journal of accounting and economics*, January, pp
19. Strong, J.S., Meyer, J.R., (1987). "Asset write-downs: Managerial incentives and security returns. *Journal of finance* 42, July, pp.
20. Whittred, G., Chan, Y.K., (1992). "Asset revaluation and the mitigation of underinvestment", *Abacus*, March, pp

Administrators and university professors' Perspectives on Assets Revaluation

_ Maryam Eghbal, Faculty member of Khayyam high education institute
 _ Mehdi yaghoubi, Faculty member of Khayyam high education institute

Abstract

Structural analysis of every economic unit is one of the primary objectives of successful economies. Only when the real assets values are considered a successful result is attainable. One of the ways of relating accounting information is to revise cost of fixed assets, which is called "asset revaluation" in accounting terms.

The objective of this paper is to analyze perspectives of managers and university professor's with regards to assets revaluation and to highlight some of the possible views

on rise of asset values. In a similar survey performed in 2002 by Loh and Tin, time series model is used because of availability of 15 years financial data of 95 companies. However in this survey for the purpose of the data collection due to lack of use of assets revaluation in nongovernmental organizations or companies in Iran, questionnaire method was used and for hypothesis evaluation t-student test was used.

The evaluation results are as follow:

- The assets revaluation is an essential technique.
- Assets values are increased after revaluation.
- Managers used assets revaluation for the purpose of increasing company value.
- By using assets revaluation, risk of debt ratio is decreased.
- The data on value of financial resources becomes fairly for decision making so price/income ratio is more reliable.

Key Words: Assets Write-up and write-down – Debt ratio – Price/income ratio – Assets return – Profitability